

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هفتم-شماره اول-بهار ۱۳۹۳-شماره پیاپی ۲۳

معرفی نسخه «کارنامه عشق»، اثر آنند رام مخلص

(۲۲۷-۲۴۶)

عصمت اسماعیلی^۱، حسن یعقوبی (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۹۲/۱۲/۲۵

چکیده:

آنند رام (Anand Ram)، متخلص به «مخلص»، شاعر و نویسنده پارسی‌گوی قرن دوازدهم هجری، در سودهره در بخش سیالکوت از توابع لاهور به دنیا آمد. مخلص در شاعری از استاد خود میرزا عبدالقادر بیدل پیروی میکرد و از بهترین شاگردان او بود، ولی سخنش از پیچیدگیها و نازک خیالیهای معماواری که در شعر بیدل دیده میشود، خالی است. علاوه بر قریحه سرشار آنند رام در شاعری، ذوق نکته‌یابی و نقادی وی نیز شایسته توجه است و سبک نگارش او در نثر هم به متانت و روانی مشهور بوده است، به گونه‌ای که مخلص را یکی از بهترین نویسندگان آن روزگار خوانده‌اند. هنگامه عشق، داستان منثور عاشقانه‌ای است که آنند رام مخلص در سال ۱۱۴۴ ق. با نثری شاعرانه و زیبا به رشته تحریر درآورد.

در این مقاله، پس از معرفی نسخه کارنامه عشق و نویسنده آن، ویژگیهای سبکی این اثر در سطح زبانی و بلاغی مورد بررسی قرار گرفته و برای هر ویژگی سبکی، نمونه یا نمونه‌هایی برجسته‌تر ارائه شده است.^۳

کلیدواژه: آنند رام مخلص، کارنامه عشق، ویژگیهای زبانی، ویژگیهای بلاغی

^۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان

^۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان yaghobi_111@yahoo.com

^۳. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده با عنوان «تصحیح انتقادی آثار داستانی آنندرام مخلص لاهوری، هنگامه عشق و کارنامه عشق» به راهنمایی خانم دکتر عصمت اسماعیلی و مشاوره آقای دکتر ناصر رحیمی و آقای دکتر حسن ذوالفقاری است.

مقدمه

آنند رام مخلص، نویسنده و شاعر پارسیگو در روستای سودهره (Sodhra) در بخش سیالکوت (Sialkot) در شمال لاهور (Lahore) در منطقه پنجاب به دنیا آمد. هیچکدام از تذکره‌نویسان به سال تولد او اشاره‌ای نکرده‌اند. در دانشنامه جهان اسلام، تولد او حدود ۱۰۹۱ ق. ذکر شده است. (دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، انوشه، ج ۴: ص ۲۳۲۳) جرج م. جیمز، تولد او را سال ۱۶۹۵ م. (۱۱۰۷ ق.) بیان کرده و در دایره‌المعارف ایرانیکا نیز سال تولد او ۱۱۱۱ ق. آمده است.

مخلص در دیباچه‌ای که با نام پری‌خانه در سال ۱۱۴۴ ق. نوشته، به سن خود چنین اشاره کرده: «اکنون که بعد طی مرحله سال سی و هفتم از عمر مستعار، به سرحد کهولت رسیده...» (مقالات عارف، نوشاهی: ص ۷۵). وی همچنین در کتاب دیگرش مرآت الاصطلاح که در سال ۱۱۵۷ ق. تألیف شده، اشاره دارد که ۴۵ سال را پشت سر گذاشته است. با توجه به این اشارات، تولد مخلص را بین سالهای ۱۱۰۷ تا ۱۱۱۲ ق. میتوان دانست.

پدر مخلص، راجه هرده رام (Hirday Ram) چهره لاهوری، از طبقه چهرتیران (چهرتری، کهتری یا کشتیری، طبقه امیران و سپاهیان در هند) بود که از طبقات صاحب نفوذ هند محسوب میشدند. آنند رام نیز از موقعیت ممتاز اجتماعی بهره‌مند بود و در ۱۳۲۱ ق. (۱۷۱۹ م.) وکیل سیف‌الدوله عبدالصمدخان ناظم صوبه لاهور و ملتان (Multan) و نیز وکیل نواب اعتمادالدوله قمرالدین خان بهادر آصف‌جاه نظام‌الملک گردید و در همان سال از جانب محمد شاه، لقب «رای رایان» دریافت کرد.

سراج‌الدین علی خان اکبرآبادی ملقب به استعدادخان و معروف به «خان آرزو» (۱۱۶۹-۱۰۹۹ ق.) شاعر، عارف و دانشمند هندی که در سال ۱۳۲۱ ق. (۱۷۲۰ م.) در دهلی اقامت گزید، به خدمت آنند رام درآمد و از او منصب «جاگیر» (تیول) یافت. آرزو ضمن اشاره به دوستی سی ساله خود با وی، حضور او را در شاهجهان‌آباد، سبب اقامت خود در آن شهر میدانست (سفینه هندی، بهگوان داس: ص ۱۹۷). عبارت «خان» که در ابتدای تخلص آرزو آمده، طبق گفته برخی تذکره‌نویسان به خاطر یکی از نزدیکترین دوستانش یعنی «آنند رام مخلص» به او داده شده است (ادبیات فارسی در میان هندوان، سیدعبدالله: ص ۱۱۷).

بیشتر تذکره‌ها اشاره دارند که پس از حمله نادر به دهلی (۱۱۵۰-۱۱۵۱ ق./۱۷۳۷-۱۷۳۸ م.) آنند رام، انزوا گزید و خانه‌نشین شد و در سال ۱۱۶۴ ق. (۱۷۵۱ م.) در چهارمین سال حکومت احمدشاه در پی بیماری نفث‌الدم (استفراغ خون) درگذشت (سفینه هندی، بهگوان داس: ص ۱۹۶). مخلص در شاعری از استاد خود میرزا عبدالقادر بیدل پیروی میکرد و از بهترین شاگردان او بود، ولی سخنش از پیچیدگیها و نازک خیالیهای معماواری که در شعر بیدل دیده میشود، خالی است. به گفته بهگوان داس «طور کلامش ماورای طور استاد است» (همان: ص ۱۹۷). در تذکره شمع انجمن، مخلص، شاگرد بیدل و مربی آرزو اکبرآبادی معرفی شده است (تذکره شمع انجمن، نواب صدیق‌خان: ص ۶۵۳).

کلیات اشعار او را بالغ بر پنجاه هزار بیت گفته‌اند که گزیده‌هایی از آنها به طور پراکنده در تذکره‌ها آمده است. علاوه بر قریحه سرشار آند رام در شاعری، ذوق نکته‌یابی و نقادی وی نیز شایسته توجه است و سبک نگارش او در نثر هم به متانت و روانی مشهور بوده است. آند رام را برای تمایز از شعرای دیگری که با تخلص «مخلص» شعر می‌گفتند، مخلص هندی، مخلص لاهوری یا مخلص سیالکوتی خوانده‌اند.

آثار آند رام مخلص:

- ۱- کارنامه عشق (۱۱۴۴ق./۱۷۳۱م.): داستان عاشقانه‌ای است به نثر، درباره شاهزاده چینی «گوهر» و شاهزاده خانم «مملکت».
- ۲- هنگامه عشق (۱۱۵۲ق./۱۷۳۹م.): داستان عاشقانه‌ای است به نثر درباره کنور سندر سین و رانی چند پربها.
- ۳- پری خانه (۱۱۴۴ق./۱۷۳۱م.): مقدمه‌ای است بر مجموعه‌ای از آثار خطاطان و نقاشان.
- ۴- رقعات مخلص (۱۱۴۹ق./۱۷۳۶م.): مجموعه نامه‌های اوست.
- ۵- مرآت‌الاصطلاح (۱۱۵۷ق./۱۷۴۴م.): فرهنگنامه‌ای است از تعبیرات و اصطلاحات شاعرانه و ضرب-المثلها، با شواهدی از شعر پارسی.
- ۶- چمنستان (۱۱۵۹ق./۱۷۴۶م.): مجموعه‌ای است از لطیفه‌ها، کنایات و نکات ظریف، اشاراتی بر احوال بعضی از معاصران و توصیفات از درختان، گلها و میوه‌ها، به نثر مرصع که در چهار «چمن» و هر چمن در دو «گلدسته» ترتیب یافته است.
- ۷- بدایع وقایع: خاطرات شخصی نویسنده و ذکر وقایع زمان او در شمال هند است.
- ۸- دیوان اشعار: آند رام، صاحب دیوانی به فارسی و اشعاری به هندی بوده است.
- ۹- انتخاب تحفه سامی: گزیده‌ای از تذکره سام میرزاست.
- ۱۰- نامه‌ای بلند به نثر: این نامه هنگام تاجگذاری شاه صفوی، به فرمان محمدشاه خطاب به وی نوشته شده است.
- ۱۱- کتاب راحه الافراس: درباره نگهداری اسب که گویا برگردانی از متنی سانسکریت بوده است.
- ۱۲- تذکره الشعرا.
- ۱۳- مثنویات مخلص: مجموعه مثنویات مخلص به زبان اردو.

درباره کتاب:

کارنامه عشق، داستان منشور عاشقانه‌ای است که آند رام مخلص در سال ۱۱۴۴ق. از زبان هندی به فارسی برگردانده و با نثری زیبا و شاعرانه به رشته تحریر درآورده است. مخلص با بهره‌گیری از صنایع لفظی و معنوی، جلوه‌های زیبایی از نثر فارسی را به نمایش گذاشته است. تشبیهات زیبا، توصیفهای جاندار و باطراوت و موسیقی جاری در کلام با استفاده از سجع و استفاده از اشعاری از خود و شاعران دیگر در لابلای داستان، اثر را دلپذیر و خواندنی کرده است.

خوشگو درباره این اثر مینویسد: «حکایتی در نثر نوشته، همه مقفی و رنگین و نهایت معنیهای تازه و تشبیهات بلیغه دارد.» (سفینه خوشگو، بندرین داس خوشگو، ص ۳۳۳)

او در مقدمه این کتاب به سفری اشاره دارد که در فصل بهار به همراه دوستانش سراج الدین علی خان آرزو، محمدحنیف خان متخلص به یار، شرف الدین علی خان متخلص به پیام، محمد جان دیوانه، محمد ماه، لاله سکهرام صاحب و فرزندانش رای کرپارام و رای فتح سنگه به دکه درویشی میرسند و این افسانه را در آنجا از یکی از همراهان میشوند.

« قریب به شام که صبح سعادت عبارت از آن است، دولت زیارت دست به هم داد و در خانقاه تعمیر کرده عنایت‌الله خان مرحوم مبرور که کنار تالاب است اتفاق شب‌نشین افتاد. هنگام شب چون بر بستر خواب تکیه زده شد، یکی از یاران این حکایت شورانگیز را که علت غایی تحریر این ماجرای حیرت‌افزاست، بر سبیل افسانه‌گویی به عنوانی نقل کرد که بی‌اختیار دل را به درد آورد. به خاطر گذشت که اگر قلم بدایع‌رقم، این معشوق هندی را لباس فارسی پوشاند، یادگار طرفه‌ای بر صفحه روزگار میماند. به قربان فضل بیکرانش روم که آنچه مرکوز خاطر بود، به منصه ظهور رسید؛ یعنی در کمتر مدتی از هندی به فارسی مترجم گردید» (کارنامه عشق، آند رام: ص ۸).

بر اساس روایت آند رام، شاهی به نام شهریار در چین، از اندوه بی‌فرزندی، تاج و تخت را به وزیرش واگذار کرد و سر به جنگ گذاشت. در جنگل بر شاخه‌ای طوطی و شارکی نشسته بودند و از اندوه او سخن میگفتند. آنها از اسرار غیب چنان خبر میدادند که اگر شاه با دختر ملک‌التجار شهر چگل ازدواج کند، صاحب پسری به نام گوهر خواهد شد. چنین شد، اما ستاره‌شناسان پیش بینی کردند که این پسر در چهارده سالگی با دیدن تصویر دختری گرفتار عشق میشود.

شاهزاده بزرگ میشد و اطرافیان او را از دیدن تصویر هر زنی دور نگه میداشتند. او در چهارده سالگی در شکارگاهی به دنبال آهو بود که از همراهان جدا شده، به باغی درآمد. در آنجا پسری را دید که دلباخته شاهدختی به نام ملکه مملکت بود اما چون شرایط همسری او را نداشت، به سیاه روزی افتاده بود. شاهزاده عکس آن شاهدخت را نزد پسر دید و خود نیز شیفته او شد. گوهر همراه پسر وزیر و دوستانش در پی او به شهر حسن آباد رهسپار شد. آنها در راه، نخست گرفتار طوفان شدند و تنها شاهزاده و پسر وزیر از آن مهلکه جان به در برده، هریک جداگانه به ساحل رسیدند. شاهزاده به باغی که کاخ پریان در آن بود درآمد. در آنجا حال خود را با لال پری بازگفت و از او وعده یاری گرفت، اما جگ دیو که به رابطه این دو رشک میبرد، او را به زندان انداخت. شاهزاده در زندان پسر وزیر را دید که به کمک سیمرغ از طوفان نجات یافته بود. آن دو با سوزاندن پر سیمرغ از زندان رهایی یافته، به حسن آباد رفتند. در حسن آباد با زن گلفروشی که هر روز دسته گلی برای شاهدخت میبرد، آشنا شده، نامه شاهزاده را در دسته گل جای داده به او رساندند. پسر وزیر نیز در جامه و آرایش زنانه نزد شاهدخت رفت و شرح حالشان را برای او بازگفت. شاهدخت هم شرط همسری خود را با او در میان گذاشت. داستان با شرح ماجراها و شگفتیهایی دیگر که گوهر و وزیرزاده با آنها روبرو میشوند ادامه می‌یابد و سرانجام گوهر با ملکه مملکت ازدواج میکند.

مخلص در انتهای داستان، ضمن اشاره‌ای دیگر باره به ترجمه بودن این داستان از هندی به فارسی، نام آن را کارنامه عشق می‌گذارد:

«این داستان درآمیز و افسانه شیرین شورانگیز که گلدسته‌ای است در کمال رنگینی و اعجوبه‌ای است در نهایت سحرآفرینی، از هندی به فارسی مترجم شده، به کارنامه عشق موسوم گردید» (همان، ص ۴۹).

آندرام، در پایان کتاب، تاریخ تألیف داستان را در قطعه‌ای با ماده تاریخ، سال ۱۱۴۴ ق. بیان داشته است:

زبان طعن بر بلبل گشوده	«چو مخلص آن که رنگین گفتگویش
رقم بر صفحه کاغذ نموده	پر از اقسام سوز این داستان را
به آن دردی که بر دردش فزوده	پی تاریخ پیش دل شبی خواند
چه شورانگیز رنگین قصه بوده»	شنید و گفت سال اختتامش

(همان، ص ۴۹)

پیشینه تحقیق

نسخه کارنامه عشق تا کنون تصحیح نشده است. سه نسخه از این کتاب در کتابخانه انجمن ترقی اردو دهلی، کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور و کتابخانه همدرد ناظم آباد کراچی نگهداری میشود. در برخی منابع از نسخه‌ای در کتابخانه دیوان هند، بانکپور به شماره PiIX,2 نام برده شده است. (دانشنامه شبه قاره، حسن انوشه، ج ۴، ص ۲۰۶۲) همچنین نسخه‌ای نفیس از کارنامه عشق در کتابخانه موزه بریتانیا (British Library) به شماره J.38 نگهداری میشود.

۱. ویژگیهای زبانی

۱/۱. دایره لغات

بسامد واژه‌ها و ترکیبات به کار رفته در کتاب کارنامه عشق، به گونه‌ای است که با موضوع و فضای اثر، هماهنگی و تناسب دارد. کلمات گل، رنگ، دل و عشق و مشتقات و ترکیبات ساخته شده از آنها، به ترتیب از پربسامدترین واژه‌ها و ترکیبات کارنامه عشق هستند.

۲/۱. کاربرد کلمات و ترکیبات عربی

برای اینکه میزان لغات عربی به کار برده شده در این اثر به طور تقریبی مشخص شود، ده صفحه، یعنی ده درصد از کل کتاب در نظر گرفته شده است. در این صفحات از مجموع ۲۹۹۴ لغت موجود (با احتساب حروف اضافه، عطف و نشانه) ۸۲۱ لغت عربی بود؛ یعنی حدود ۲۷ درصد، از واژه‌ها و ترکیبات عربی استفاده شده است.

تعدادی از کلمات و ترکیبات عربی در هنگامه عشق:

مصدرهای عربی: تسوید(۳/۲)، ارتسام(۶/۱)، انبساط(۸/۱)، تواجد(۸/۲)، معاودت(۱۰/۲)، انکسار(۱۰/۲)، منازعت(۱۱/۱)، اضطرار(۱۱/۱)، تمتّع(۱۲/۱)، تعویذ(۱۴/۱)، افاقت(۱۵/۱)، تناول(۱۸/۲)، استعجاب(۱۳/۱)، استفسار(۲۴/۱)، تفقّد(۲۳/۲)، معارضه(۲۵/۲).
مصدرهای جعلی: طفولیت(۱۴/۱)، سهولیت(۲۰/۲)، جنسیت(۳۰/۱)، فدویت(۱۵/۱)، جمعیت(۲۴/۱)، کیفیت(۲/۱).

اسم فاعل و مفعول: معتاد(۵/۲)، مسموع(۹/۲)، منقضى(۱۱/۲)، مهمل(۱۱/۲)، مخلع(۳۵/۱)، متکفل(۱۸/۲)، مستفسر(۲۰/۲)، متحتم(۲۱/۲)، متصور(۲۳/۲)، مستسعد(۲۵/۲)، مُنافی(۲۶/۱)، مشوّش(۲۶/۱)، مکنون(۲۸/۱)، مضبوط(۲۹/۲)، ممهّد(۲۹/۲)، معهود(۳۰/۱)، ناسخ(۳۰/۲)، منکشف(۴۱/۲)، مصون(۴۹/۱).

ترکیبات عربی: احسن التقویم(۲/۱)، صنوبری‌الشکل(۲/۱)، دارالشفاء(۲/۱)، کثیرالاعتدال(۵/۲)، اولی‌الامر(۱۰/۲)، بین النوم و الیقظه(۲۰/۲)، عین‌الکمال(۲۴/۲)، رأی‌العین(۲۰/۲)، کما هی(۲۳/۲)، معدودالایام(۳۵/۱)، عظیم‌المنزلت(۳۵/۲)، بالفرض و التقدير(۳۸/۲)، اولی‌العزم(۳۸/۲)، فی‌الحقیقت(۳۹/۱)، مابه‌الربط(۴۲/۱)، حسب‌الالتماس(۴۹/۲)، امعان نظر(۲۶/۱)، ملحوظ نظر(۲۳/۱)، مخطور خاطر(۲۳/۱)، بلاتحاشی(۷/۱).

ترکیب عربی - فارسی: حسب‌الخواهش(۳۸/۲)، روشن‌الدوله(۴۱/۱).

اسامی جمع مکسر: مراحم(۱۰/۲)، سلاطین(۱۱/۱)، خواقین(۱۳/۲)، ثوابت(۱۵/۱)، ائمار(۱۷/۱)، اشجار(۱۷/۱)، تعائب(۱۹/۲)، رقایم(۳۸/۲)، معاجین(۱۵/۱)، مجانبین(۱۸/۱)، صعائب(۲۳/۱)، نسوان(۲۶/۱)، شداید(۲۳/۱)، مصائب(۱۹/۲)، اطوار(۲۶/۱)، فواکه(۲۰/۲)، خوانین(۴۱/۱)، مکاره(۴۹/۱)، اقمشه(۴۹/۱)، حلل(۴۷/۱)، رواج(۱۱/۱)، عساکر(۳۵/۲)، خلّاع(۵/۲)، قلاع، بدایع(۱/۲)، افواج(۳۵/۱)، تحایف(۳۶/۲)، ألویه(۳۵/۱)، اوباش(۳۲/۲).

۳/۱. کاربرد کلمات عامیانه

از ویژگیهای مهم سبک این دوره، استفاده از کلمات عامیانه و کوچ‌ و بازاری در شعر است که در این اثر هم اگرچه نه بطور چشمگیر، اما مواردی از این دست دیده میشود که از جمله آنها میتوان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

پوست کنده گفتن(۱۳/۲)، صندلی(۱۸/۱)، شگون(۱۹/۲)، نیمچه(۲۰/۱)، خدانا کرده(۲۰/۱)، چاق(۲۱/۱)، بخیه(۲۵/۱)، خدا نخواسته(۳۵/۲)، سر و کار(۴۰/۱)، چشم‌روشنی(۴۱/۱).

۴/۱. کاربرد کلمات ترکی

در کارنامه عشق، تعدادی واژه ترکی نیز به کار رفته است؛ مانند: کورنش: کرنش(۵/۲)، ألکه: کشور(۵/۲)، طوغ: نشان فوج(۵/۲)، اتالیق: استاد(۱۱/۲)، اُشتم: تندى و زور(۱۲/۱)، چقماق(۲۱/۲)، جلو: افسار(۲۳/۲)، جلدو: جایزه(۲۵/۲)، قدغن(۳۱/۲)، یساق(۳۵/۱)، قراول(۳۶/۱)، کشیک(۳۶/۲)،

قاب: خوان طعام(۳۶/۲)، اردو(۳۶/۲)، طوی: جشن عروسی(۳۹/۲)، توشک(۴۰/۲)، چخ: نوعی پرده(۴۰/۲)، قاشق(۴۲/۱)، توزک(۴۵/۱).

۵/۱. کاربرد کلمات هندی

از آنجا که آند رام نویسنده و شاعری هندی است و قهرمانان، ماجراها و فضای داستان کارنامه عشق مربوط به هندوستان، در جای جای این اثر با واژه ها و اصطلاحات هندی مواجه می‌شویم. نمونه‌هایی از کلمات هندی:

سُگهر: هنرمند (۴۵/۲)، سهیلی: ندیمه(۲۴/۱)، چتر: چالاک و هوشیار(۴۵/۲)، هار: گردنبند(۲۴/۲)، چنگیر: سید گل(۲۵/۱)، بسنتی: لباس زردرنگ(۴۲/۲)، پلنگ: تخت خواب(۳۶/۲)، سنگار: آرایش(۴۲/۲)، مالا: گردنبند(۴۲/۲)، هُنس: نوعی مرغابی(۴۳/۲)، جهروکه: پنجره، بالکن(۱۲/۲)، چوری: النگویی از جنس شیشه، نقره یا طلا(۴۵/۱)، رتهه: نوعی گاری(۶/۲)، کویل: شکوفه بابونه و ریحان(۷/۱)، مردنگ: نوعی طبل(۱۸/۲)، هولی: نام جشنی است در هند(۱۷/۱)، پان: برگ تنبول(۱۰/۱)، کیله: درخت موز(۴۳/۲)، سناسی: تارک دنیا(۳۲/۱)، بهل: نوعی گاری(۶/۲).

۶/۱. استفاده از اصطلاحات خط، نقاشی و نسخه‌پردازی

براساس آنچه که مخلص در دیباچه اثر دیگرش، پری‌خانه بیان داشته، از دلمشغولیهای دوره نوجوانی او جمع‌آوری آثار خوشنویسی استادانی چون میرعلی و میرعماد و اوراق نقاشی استادان ممتاز بوده است.(نوشاهی، ۱۳۸۵: ۲۶۶) از این رو مخلص با اصطلاحات خط، کتابت و نقاشی کاملاً آشنا بوده، بهره‌گیری او از این اصطلاحات در خلق تشبیهات و استعارات گوناگون در شعر و نثر، تعلق خاطر و اشراف او را بر آداب کتابت و نقاشی نشان می‌دهد. در کارنامه عشق نیز آنچه که بسیار جلب توجه میکند، استفاده فراوان از اصطلاحات خط، نقاشی و کتابت است؛ اصطلاحاتی چون: شنجر، نسخه، تخته مشق، تحریر، جدول، پیاله، رقعه، مرکب، بیاض، سواد، شفیع، چلیپا، طغرا، نسخ، خط شکسته، انگاره، پرداز، مسطر، ليقه، دوات و ...

- در صفحه از کهکشان جدول کشیده آسمان به دقت ندیده‌ای تا دریابی که رقعه‌واری است از دارالانشای قدرتش و به قطعه از مرکب داغ لاله مشق گردیده زمین، خوب وائرسیده تا بدانی که مسوده‌ای است رقمزده قلم بدایع‌پیرای صنعتش؛ صبح از خطوط شعاعی آفتاب، دیوان مشرقی است پر از حمد و ستایش او و شام از اوراق لکه‌های سحاب، سفینه مغربی مملو از ثنا و نیایش او؛ کتابخانه ابداعش را فلک مکوکب نسخه انشای مروارید؛ نقاش‌خانه اختراعش را بدر مشعشع به حل کردن ورق طلای مهر پیاله چینی سفید(۱/۲)

- زلف نقاش‌پسران از سواد خط، چهره‌پرداز گردیده، سیاه‌قلمی که خط نسخ بر شهر فرنگ کشیده(۲۲/۲)

- گردن از زلف چلیپا، بیاضی به خط شفیع، یا در باب قتل عشاق به سرنوشت ازل راضی از خال به مهر خرد قهرمان حسن حکم بیاضی(۴۳/۲)

۷/۱. کاربرد واژه‌ها در معانی خاص

در کارنامه عشق با کلمات و عباراتی روبرو می‌شویم که از آنها معنایی ویژه یا متفاوت از مفهوم متداول، اراده شده است.

استه: هسته (۱۸/۱)، شهرناپرسان: شهری که در آنجا کسی به داد کسی نرسد (۲۳/۲)، یک قلم: به کلی (۲۴/۱)، بیش قیمت: گرانبیشت (۲۳/۱)، از سر نو: از نو (۲۴/۲)، راستی‌ها: به راستی (۲۷/۱)، گلدسته: دسته گل (۳۲/۲)، همچشمی: رقابت (۱۶/۲)، روداد: رویداد (۲۵/۲)، از آن باز: از آن پس (۱۳/۲)، جلو ریز: عجله (۳۶/۱)، راه‌آورد: رهاورد (۳۲/۱)، انداز: قصد و آهنگ و ناز (۴۲/۱)، تماشایی: تماشاگر (۹/۱)، صورت گرفتنی: امکان پذیر (۳۱/۱).

۸/۱. کاربرد واژه‌های کهن فارسی

بسامد این نوع کلمات زیاد نیست. از جمله می‌توان این موارد را برشمرد: دستارخوان (۱۸/۲)، پی‌سپر (۲۱/۱)، دستوری: اجازه (۳۲/۲)، نام‌خدا (۴۲/۲)، بادبیزن (۴۲/۲)، یکایک: بلافاصله (۲۹/۱)، دورباش (۴۴/۲)، اورنگ (۴۴/۲)، نزاکت: نازکی (۴۴/۲)، سُبک: فوراً (۲۱/۱).

۹/۱. آوردن مترادفات در کنار هم

از ویژگیهای سبک فنی، آوردن کلمات مترادف در کنار هم است که در کارنامه عشق نیز، به فراوانی، این ویژگی مشاهده می‌شود. برای مثال: سعی و اهتمام (۱۴/۱)، قلق و اضطراب (۱۵/۲)، چاره و تدبیر (۱۶/۱)، پند و نصایح (۱۶/۱)، بیابان نوردی و دشت پیمایی (۱۷/۱)، مجبور و ناچار (۲۷/۱)، واضح و هویدا (۲۸/۱)، خجل و منفعل (۳۰/۲)، مفقودالبدل و معدوم العوض (۳۱/۱)، رنج و تعب (۳۱/۱)، احتراز و اجتناب (۲۴/۱)، مهیا و آماده (۳۵/۱).
- آگاه کردند که پری‌نژاد با رعنا جوانی آدمیزاد مختلط و محشور و شب و روز سرگرم عیش و سرور است. با او شبانه‌روز در نشاط و طرب است و مشغول اقسام لهو و لعب (۱۹/۱).

۱۰/۱. استفاده از عبارات وصفی بلند

مخلص در نثر این کتاب، بسیار از ترکیبات و عبارت‌های وصفی طولانی و بلند استفاده کرده است، به گونه‌ای که این ویژگی در سرتاسر این اثر به چشم می‌آید.
برای مثال:

- من از دودِ سودا جوهرِ دماغ پریشان‌گردیده را رخصت فرمود (۱۳/۲)
- غریب از دست داده دل و دین (۱۳/۲)
- عشقبازانِ عمر در شاهدپرستی صرف ساخته (۲۶/۱)
- ای لعل شیرینت یاقوتی جواهردار عشاق بیچاره و زلف مشکینت سنبل‌الطیب سوداییان از خانمان آواره (۲۷/۱)

۲. ویژگیهای بلاغی

نویسندگان هندی همچنان که در شعر به استعاره و ترکیبات مجازی سخت معتادند، در نثر نیز استعاره را آزادانه به کار می‌برند. (ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما، شفیع کدکنی: ص ۵۳) مخلص در کارنامه عشق، اگرچه داستانی را روایت میکند، اما برای آرایش سخن خود دست به دامن آرایه‌های ادبی و شگردهای هنری میشود؛ آرایه‌هایی چون: تلمیح، سجع، جناس، اغراق، تضاد، مجاز، کنایه، تشبیه، استعاره، تشخیص و

۱/۲. صنایع بدیع لفظی

از بارزترین جلوه‌های شاعرانه کارنامه عشق، نثر آهنگین آن است؛ هرچند بسامد این جلوه بدیعی در جای جای این اثر متفاوت است.

۱-۱/۲. سجع

بیشتر سجعهای به کار رفته در کارنامه عشق، از نوع سجعهای متوازی است که بار موسیقی بیشتری دارد.

۱-۱/۲. سجع متوازی

- ای ترکیبت مشابه به معشوق پوشیده پاجامه زرد کمخاب و سخن شیرینت شورانگیز نغمه لاله پیکانی را جواب، یقین من است که تو به مرغان دیگر نیممائی و اسرار غیب کماهی میدانی. چه شود که از سر لطف در چمنستان رازگویی به پرواز آیی و این عقده را که به رنگ غنچه تصویر لاینحل مینماید، بگشایی (۹/۲)

- پریهای از عیب بری، بوقلمون به رنگ بال پری، صفحه مشقی نقاشان تصدیق نقش و نگارش، کاغذ ابری بته‌دار بلاگردان بهارش (۴۰/۲)

- زلف دو سطری به خط شکسته، دو آهی از دل خسته برون جسته، دو گلدسته سنبل تر، دو فتیله عنبر (۴۳/۱)

- چنگ در آهنگ آوردن دل اهل ذوق به چنگ؛ نی در پی غارت هوش اصحاب شوق فارغ از نام و ننگ (۴۱/۱)

۲-۱/۲. تکرار

۱-۲-۱/۲. واج آرایی

تکرار واج ش:

- دل شیشه‌خانه شاد که سر و کارش با روشن‌ضمیری است که خورشید القابش نور چشم من می‌نگارد. (۴۰/۱)

- گرد تشویش از دامن خاطر بپاش و امشب مهمان باش (۲۰/۲)

- چون کشش و کوشش یلان پرخاشجو امتداد کشید (۳۴/۱)

تکرار واج ق:

- از مقیش دوز انگیا، دو قوتی یاقوتی چسبانده ورق طلا یا از قهرمان حسن بر خود مغرور (۴۴/۱)

تکرار واج گ:

- گل به رنگ شراب خورده بتان فرنگ، رنگ رو برافروخته. قمری جوگنی از طوق گلو سیلی در گردن انداخته. بلبل سناسی از شاخ گل تکیه به بیراگن ساخته (۱۲/۱)
 - نخل امید که از باد مهرگانی یأس خزان گردیده بود، به گل گل شکفتگی رسید (۳۲/۱)
- تکرار واج ز:

- جود بیکرانیش اگر تحویلدار آفتاب را مأمور نمیگردانید، به تاراج خزان رفته قافله بندرعباسی چمن را از زر گل، که باز به سر و سامان میرسانید؟ (۲/۲)

۱/۲-۲. تتابع اضافات

- از آنجا که سعی در تحریر مدح، از عالم بال‌افشانیهای ذره در هوای آفتاب و در این مقام، اطناب خلاف قاعده هشیارخامان جاده آداب است، همان بهتر که احرام طواف کعبه دعا که آیینکده ساکنان عالم بالاست، بسته آید و به تسوید این رباعی که از راقم حروف است، ختم سخن نماید (۳/۲)
- خاک پاک سرزمین نورآگینش، روشنی‌بخش آینه دل اهل صفا و نکبت گل‌های مزار فیض‌بارش، عبیر جیب و گریبان برگزیدگان جناب کبریاست، به تحریک دل شورش‌ایجاد، اتفاق سیر افتاد (۵/۱)
- به اقبال عدومال پادشاهی بی‌تردد نسیم نصرت بر پرچم اعلام ظفرارتسام شاخهای شکوفه بادام وزید (۶/۱)

- غنچه امید منحصر به تحریک نسیم انفاس متبرکه ایشان است، (۸/۲)
- ای خوش خط و خال، هر دو بالت مرقع نقاشان کارخانه بهار و خط میناکار حلقه پیرامن گردنت، محسود طوق مرصع معشوقان لاله‌رخسار (۹/۱)
- قبض و بسط احوالش گل نیم‌شکفته چمنستان فکر عقبی، خزان و بهار خیالش گل رعناى گلستان اندیشه فردا. (۲۷/۲)

۲/۲. صنایع بدیع معنوی

۲/۲-۱. ابهام تناسب

- به آسانترین وجهی صورت مینمود (۲۱/۲)
- گفتند که این جوان به مهر ماه رخساری دل از دست داده است (۱۴/۲)
- نغمه چون هنگامه‌آرایی در سر داشته، پا از دایره بیرون گذاشته (۴۱/۱)
- دوپیازه‌های سیرنمک، شوری در قلمرو ذائقه انداخته (۴۱/۲)
- در صورتی که پا از جاده اطاعت محرف^۱ گذاشته، استادگی کنند، به تیغ تیز که برای قتل هنگامه-جویان حجتی است قاطع، سر از تن بردارند. (۳۳/۱ و ۲)

^۱. محرف: قط کج زننده بر قلم (ناظم الاطباء).

۲-۲/۲. مراعات نظیر

- آفتاب سری به قمارخانه غروب کشید و بساط آسمان بسان عرصه شطرنج به مهره‌های کواکب آرایش‌پذیر گردید (۲۱/۲)
- میوه‌فروش بتان، بادام چشم و پسته لب و سیب ذقن به دکان خودآرایی چیده؛ گلفروش صنمان از گل عارض و بنفشه خط و سنبل زلف، برهمزن گرمی بازار بهار گردیده (۲۲/۲)
- اگر از سر تا پایم به رنگ غنچه گل زبان بشکفد و هر یکی زمزمه شکر احسانت سراید، هنوز از خارج‌آهنگان این مقام خواهم بود (۲۷/۱)
- تا آنکه قلم تقدیر بر طغرای رقم حیاتشان خط نسخ کشید (۴۸/۲)

۳-۲/۲. تضاد

- گردان از پشت زین به روی زمین افتاده (۳۳/۲)
- هیچگاه صرفه جانفشانی و جانبازی در راه خداوند حقیقی و مجازی خویش نداشت (۳۵/۱)
- در ظاهر نظر به مراعات مراتب خلافت و جهانبانی و در باطن به تحریک غلبه محبت که رنگ-آمیزیهایش را تو هم میدانی، گرم و گیرا شتافته (۳۶/۱)

۴-۲/۲. مبالغه

- در عهد همایونش از بس که عدالت رواج دارد، آهو شانه شیر را به پشت خار شاخ میخارد؛ در آراستن کاکل کلنگ، چنگل شاهین شانه و در پروردن تیهو، خارست خطوط سینه باز، آشیانه (۳/۲)
- به نامه‌بران تیزخرامتر از بوی گل و نسیم سحر، حواله نمود (۳۹/۱)
- والدۀ گوهر به شکر سلامت فرزند بس که دست به صرف زرها گشود، حرف احتیاج را از صفحه روزگار حک نمود (۳۹/۲)

۵-۲/۲. تلمیح

- به این حالت بر کنار ناله آبی رسیده شد که عبور از آن ممکن عقل نبود و هر موجی که برمیخاست زبان به طعن طوفان نوح می‌گشود (۶/۲)
- منصور یکی از بلند سبق خوانان دبستان زیر لب اسرارگویی‌اش (۲۸/۱)
- گوهر تمامی سرگذشت را که ناسخ کارنامه فرهاد و مجنون بود، به تفصیل گزارش نمود (۳۰/۲)
- مور ضعیفی را با سلیمان بساط منازعت آراستن، ظاهر است که از سر جان خود برخاستن است (۱۰/۲)

- از تماشای این حالت که یاد از هنگامه ملاقات یعقوب و یوسف میداد، شور غریبی در حاضران محفل افتاد. (۳۹/۲)

۶-۲/۲. توصیف

نویسنده گاه گزارش خبر و ماجرای را که به نوشتن آن می‌پردازد به فراموشی می‌سپارد و منتظر بهانه‌ای است تا بتواند مرکب خیال و اندیشه را به جولان آورد. او بدین منظور به توصیفاتی مفصل می‌پردازد که در این اثر نمونه‌های فراوانی از آن را می‌بینیم.

توصیف باغ:

«باغی به نظرش افتاد که داد لطافت و طراوت میداد. گلبن گل‌گل شکفته از معشوق هیکل لعل پوشیده خوش‌نماتر و نرگس آرایش به شبنم پذیرفته. ساقی خوش‌چشمی می‌لعلی در پیاله زر. لاله چون میرزایان هند تکه نلیم به یکتهی گلنار دوخته و گل به رنگ شراب خورده، بتان فرنگ رنگ رو برافروخته. قمری جوگنی از طوق گلو سیلی در گردن انداخته. بلبل سناسی از شاخ گل تکیه به بیراگن ساخته.» (۱۲/۱)

توصیف انواع طعام:

«نانهای در لذت عذیم‌المثال، بسان قرص ماه؛ شیرمال، همگی از شیر آنقدر در صاف نور غوطه خورده، که پنجه از پنجه کش خورشید برده؛ از روغنی نانه‌های داد لذت داده، نان ذائقه در روغن افتاده؛ از نان سنگک بر سر سفره چیده، بر اهل محفل معنی ضیافت سنگین منکشف گردیده؛ کماچ لطیف و نرم در چیدن بساط اختلاط با شیر گرم، اگر سر و شکلش به گرد بالین نمی‌ماند، در بعض طبايع بعد خوردن چرا خواب ریشه تصرف میدواند؛ نان و بادام بر بساط طعام نمی‌نمود، اشتها را در راه نان خورش چشم از انتظار سفید گشته بود. دوپیاذه‌های سیرنمک، شوری در قلمرو ذائقه انداخته.» (۴۱/۲)

۲/۲-۷. ارسال مثل

سالی که نکوست از بهارش پیداست (۱۰/۲)

عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد (۲۹/۲)

در کاسه نیم کاسه‌ای است (۴۲/۱)

زر اگر بر سر فولاد نهی نرم شود (۲۳/۲)

عیب پوشی به از نمدپوشی است (۴۹/۱)

۲/۲-۸. درج و تضمین اشعار

استفاده آنند رام از سروده‌های خود و دیگر شاعران، در جای جای داستان، از ویژگیهای قابل توجه و ارزشمند این اثر است. در کارنامه عشق با مصرعها و ابیاتی از شاعرانی چون: حافظ، وحشی بافقی، صائب، بیدل، ناصرعلی، سراج الدین آرزو، پیام اکبرآبادی، ضمیری اصفهانی، نظامی هروی، محمدسعید اشرف، میرزا معز فطرت، علیرضا تجلی، قاسم دیوانه، ابوالفیض فیضی، محمد حنیف خان و... و نیز با ابیات، غزلها و مثنویهایی از مؤلف روبرو میشویم که در این میان، پس از اشعار مخلص، صائب، بیشترین سهم را دارد.

حافظ:

باشد که باز بینم آن یار آشنا را
تو را اگر گذری بر مقام ما افتد
کرم نما و فرود آ که خانه توست
آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند

مایه محتشمی خدمت درویشان است
هان ای پسر که پیر شوی پند گوش کن

کشتی شکستگانیم ای باد شرطه برخیز
همای اوج سعادت به دام ما افتد
رواق منظر چشم من آشیانه توست
آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند

روضه خلد برین خلوت درویشان است
پیران سخن به تجربه گویند گفتمت

صائب:

هوس کند ید بیضا که آستین تو بوسد (۴۴/۱)
که روزگار تو در خواب ناز می‌گذرد (۳۷/۲)
گرفته در بغل آهوی مستی (۴۳/۲)

صفای ساعد سیمینت آفتاب ندارد
تو را چه غم که شب ما دراز می‌گذرد
پریزادی است مژگانت که از چشم

بیدل:

تماشا مفت دیدنها محبت رنگها دارد (۳۶/۱)

اگر معشوق بی‌مهر است و گر عاشق وفا دارد

ناصر علی سرهندی:

به رنگ دانه از هر قفل می‌روید کلید اینجا
(۲۹/۲)

در فیض است منشین از گشایش ناامید اینجا
ضمیری اصفهانی:

نه من شناختم او را نه او شناخت مرا
(۳۰/۱)

ز بس که حسن وی افزود و غم گداخت مرا
میرزا معز فطرت:

چون من به روزگار کسی هیچ کاره نیست
(۴۴/۲)

در فکر آن دهانم و در یاد آن کمر

میرزا رضی دانش:

صرف رعنائی‌فروشان چمن خواهیم کرد
(۴۹/۱)

آخرین ته شیشه‌ای کز عمر باقی مانده است

۳/۲. بیان

۳/۲-۱. تشبیه

تشبیه از پرکاربردترین آرایه‌های ادبی در این کتاب است. در اغلب این تشبیهات طرفین تشبیه از نوع محسوس به محسوس است. چند نمونه از تشبیهات زیبای این کتاب:

- زمین از هجوم سبزه خوابیده، مخمل سبزی فرش گردیده به نظر میرسید. قطره‌های شبنم به روی سبزه به رنگی نمود داشت که گویی دانه‌های مروارید غلطان است بر ابریشم سبز کشیده یا مشتی الماس‌ریزه است به استادی جواهر تراشان کارخانه صنعت بر میناکار قبضه خاک، ترصیع گردیده (۵/۱) - زلف دو سطری به خط شکسته، دو آهی از دل خسته برون جسته، دو گلدسته سنبل تر، دو فتیله عنبر (۴۳/۱)

علاوه بر این، در این اثر از اضافه‌های تشبیهی بسیار استفاده شده است، از جمله: سپهر پادشاهی، خزان ویرانی، کوچه باغ آبادی، تخت شاخ، طبل لاله، سرنای گل عباسی، قافله موج، بحر ناکامی، ظل شفقت، لیلی ماه، شاهد آفتاب، نهانخانه غروب، سیاه‌خیمه شب، دام اجل، گرد ملال، بلبل روح، آشیان قالب، سایه التفات، دامن خاطر، مرغ خورشید، قمارخانه غروب، بلبل زبان، ساغر گرداب، کشور آسودگی، خلوت‌کده عدم، چمنستان افق، گل خورشید، عروس ماه، عروس صبح، حجله افق، خیابان سطور، گل الفاظ.

۲-۳. استعاره

- پادشاه تا زمانی دراز آن سرو جویبار دیده اشکبار را در آغوش عاطفت کشید (۳۹/۲)
- خورشید با ماه در یک برج قران نمود و گوهر با لعل در یک عقد جلوه فرمود. لاله با سرو پیوند گردید و نسرین پهلوی نسترن جا گزید (۴۵/۲)
- هر بلبلی به رنگی چه چه مینمود و هر طوطی به آیینی لب شیرین نوای گشوده بود (۴۸/۱)
اضافه استعاری: گریبان تسلیم، چشم غفلت، گریبان سراغ، بازوی همت، دست جرأت، جبین نیاز، گام اندیشه.

نثر کارنامه عشق، افزون بر انواع استعاره‌ها، از آرایه تشخیص نیز بهره فراوان برده است:
- دنباله دوده از چشم تا بناگوش کشیده، سیاه‌مستی گلابی در بغل سر راهی غلطیده؛ مژه‌های دراز، دلها چون سنگ سواد مشبک‌ساز؛ طفیلش چشم از غزال شوختر، عرب‌زاده طپانچه‌های فرنگی در کمر (۴۳/۲)

- نظر تا کار میکرد و نگاه تا میرسید، چمن در رکاب میرفت و بهار در جلو میخرامید (۴۶/۱)

۲-۳. کنایه

الف به سینه کشیدن (۲/۱): کنایه از عزاداری کردن
کچه گل کردن (۱۸/۲): فاش شدن راز
طرف کلاه شکستن (۱۷/۱): اظهار نخوت و غرور
پرده از روی کار افتادن (۴۴/۲): فاش شدن راز
آب به روی کار آوردن (۱۶/۲): آشکار و ظاهر ساختن
از سر جان برخاستن (۱۰/۲): ترک جان گفتن
بخیه از روی کار برافتادن (۲۵/۱): فاش شدن راز

عالم زیر نگین داشتن (۳۵/۲): جهان را تحت فرمان و اطاعت داشتن
به روز سیاه نشستن (۳۶/۱): بدبختی و بیچارگی
کار به جان رسیدن (۳۷/۲): ناتوان شدن در کاری، مشرف به مرگ بودن
در پیرهن نگنجیدن (۳۷/۲): بسیار خوشحال بودن
نان در روغن افتادن (۴۱/۲): برآمدن کار و مراد
کارد به استخوان رسیدن (۳۷/۲): به ستوه آمدن، جان به لب رسیدن
به نان شب محتاج بودن (۴۲/۲): بسیار فقیر بودن
پنجه بردن (۴۴/۱): چیره شدن بر حریف
قافیه تنگ آمدن (۴۴/۲): عاجز شدن
۳. نوآوریها در نثر آند رام مخلص:

۱/۳. شیوه خاص مخلص در سخن

آند رام مخلص را در روزگار خود در شبه قاره به سخن سنجی و شعرشناسی میشناختند. در تذکرها غالباً از تازه بودن شیوه سخن و روش نو او در نظم و نثر اشاره شده است؛ چنانکه در تذکره نشتر عشق به روش مخصوص او در فارسی اشاره شده است. خوشگو از شاعران معاصر مخلص درباره او مینویسد: «به همه حال سر رشته نقادی سخن زیاده از سخنوران این زمانه به دستش آمده، رسایی طبعش در این فن کار بسیار میکند و آنچنان که او به کنه سخن میرسد، کم کسی میرسد... شاعر معنی تلاش خوشزبانی مثل او در این جزو زمان کمیاب است. پیشتر دیوانی به مشق طرز صائب ترتیب داده، الحال به طرز میرزا رضی دانش شعر میگوید و به او سرانجام میدهد. خان صاحب آرزومندان خیلی معتقد سلیقه اویند.» (سفینه خوشگو، بندرین داس خوشگو، ص ۳۳۱-۳۳۲)

مخلص از بهترین نویسندگان روزگارش بود. محمدشاه وی را مأمور نوشتن نامه‌ای به پادشاه صفوی در تهنیت جلوس او به نثری مصنوع و سنگین، به پیروی از سبک ابوالفضل علامی کرد. اما سبک نثرنویسی خود مخلص ساده و بی تکلف است. (دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، انوشه، ج ۴: ص ۲۳۲۴) در مقالات الشعرا اینچنین به وصف سخنوری و شاعری مخلص پرداخته شده: «فصاحت سخن و خوبی تلاش و رنگینی معانی از اشعارش مانند بو از گل در جوش است و لطافت کلام و سلاست الفاظ و نوی طرز از ابیاتش بسان آب در گهر هم آغوش.» (مقالات الشعرا، حیرت اکبرآبادی، ص ۸۰) گوپاموی درباره مخلص نوشته است: «طبع موزونش به ادابندی مضامین تازه دمساز است و کلام دردانگیزش به فصاحت همراز.» (نتایج الافکار، گوپاموی، ص ۶۸۶) در تذکره ریاض الشعرا، از مخلص چنین تمجید شده است: «از جماعت هنود در این جزو زمان، کسی به خوش محاورگی او نیست» (ریاض الشعرا، واله داغستانی، ص ۲۲۰۹). آزاد بلگرامی در خزانه عامره میگوید: «سخن آند رام مخلص قشقه قبول بر جبین دارد.» (خزانه عامره، آزاد بلگرامی، ص ۶۳۳)

۲/۳. استفاده فراوان از لغات هندی

با انحطاط سلطنت گورکانیان در هند، زبان فارسی هم دچار انحطاط بود. در اینباره مباحث مختلفی در گرفت، از جمله نزاع در مورد استفاده از الفاظ هندی در فارسی. گروهی بر این باور بودند که ورود واژه‌های هندی در فارسی، مانع فصاحت است و گروهی دیگر خلاف این نظر را داشتند که سرآمد آنان خان آرزو بود و مخلص نیز در این زمینه از او پیروی میکرد.

مخلص از آن گروه هندیانی است که زبان شاعران و نویسندگان ایرانی را زبان معیار دانسته، تصرف در الفاظ و نوآوری در ترکیبات را حق مسلم آنان میداند و نوآوریهای هندیان و معادل‌سازیهای آنان را فارسی‌تراشی می‌شمارد. او با این حال از نقد آثار ایرانیان نیز غافل نبوده و گاه ایرادهایی بر شعر شاعران ایرانی گرفته است.

از ویژگیهای سبکی او مانند دیگر منشیان این دوره، استعمال لغات محلی در نثر است، اگرچه جمله-های مسجع، مرصع و متکلف فراوان به کار برده است. (تحول نثر فارسی در شبه قاره، محمود هاشمی، ص ۱۹۴)

او در نثرش واژگان هندی را به کار میبرد و نامهای هندی و فارسی را به هم اضافه و ترکیب میکند، ولی نوآموزان را از این کار برحذر میدارد. (دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، انوشه، ص ۲۳۲۴) وی در چمنستان در اینباره میگوید: «قول بعضی اعژه است که الفاظ هندی را در اشعار فارسی آوردن درست نیست، که سخن از مایه بلاغت می‌افتد، بلا تسلیم زیرا که این معنی برای خانان و مبتدیان مضایقه دارد و اهل قدرت و استعداد مختارند، از اینجاست که اکثری از اساتذده، الفاظ هندی را در اشعار فارسی از عالم شوخی استعمال کرده‌اند» (چمنستان، آند رام مخلص، ص ۵۷).

۳/۳. ساخت اسم و صفت مرکب

یکی از آثار مهم مخلص، مرآت الاصطلاح، فرهنگنامه‌ای است از تعبیرات و اصطلاحات شاعرانه و ضرب‌المثلها، با شواهدی از شعر پارسی. بحثهای انتقادی دربارهٔ واژه‌سازی، معنی‌شناسی و بیان اختلاف نظر و اعتقادات دیگران و نقد و بررسی صحت و سقم آنها یکی از ویژگیهای برجستهٔ این اثر است. در این بحثها، مخلص معتقد است که در واژه و ترکیب‌سازی باید اهل زبان را ملاک قرار داد و فقط زباندانان، شایستهٔ نوآوری در این زمینه‌اند.

در کارنامه عشق، اسم و صفت مرکب، بسیار پرکاربرد است و مخلص در این زمینه صاحب ابتکار. بیشتر این ترکیبات ساخته و پرداخته آند رام است و به نظر میرسد او آگاهانه از به کار بردن کلمات بسیط پرهیز کرده و همواره در پی این بوده تا مطالبی را که در ذهنش گذشته، در قالب ترکیبیهایی بیان کند. حضور پررنگ عناصر طبیعی در ترکیبهای مخلص نیز کاملاً به چشم می‌آید.

برخی ترکیبها در کارنامه عشق از بسامد بالاتری برخوردارند، از جمله ترکیباتی که با آرا، پیرا و پرداز ساخته شده است، مانند: بهار آرا، چمن آرا، هنگامه آرا، سریر آرا، جهان آرا، جلوه آرا، صحبت آرا، خود آرا، عالم آرا، صف آرا، سخن آرا، چمن پیرا، نشاط پیرا، گلشن پیرا، بدایع پیرا، نقش پرداز، زمزمه پرداز، افسانه پرداز، سحر پرداز، نغمه پرداز، ناله پرداز، چهره پرداز، سخن پرداز، چاره پرداز، صنعت پرداز، ثنای پرداز.

در کارنامه عشق، همچنین ترکیبهای بدیع و زیبایی نیز به چشم میخورد، که به نمونه هایی اشاره میشود:

آرام طلب، آرام پذیر، عطرآمود، پخته کار، نازک کار، فلک زده، حوادث زده، دشوارپسند، وحشت ایجاد، ترانه سنج، فراقنامه، تنگ حوصله، آشفته خرد، تجربه کار، آتش دست، گرم خون، جراحت خانه، نقارخانه، آبدارخانه، تشریف خانه، چله خانه، جلوه کده، چمنکده، بهارکده، شورشکده، دولتکده، المکده، آفتکده، بوقلمونکده، زیارتکده، خلوتکده، رنجکده، خلافتکده، آیینکده.

۴/۳. ساخت فعل مرکب

در این کتاب، در مواردی آندرام مخلص در ساخت افعال مرکب، دست به نوآوری زده است. به نمونه هایی از این دست افعال عبارتند از:

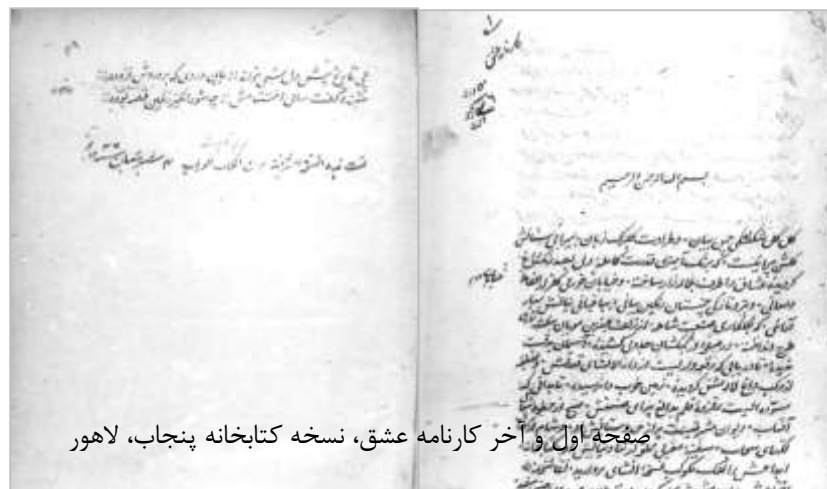
- پسند ساختن: پسندیدن (۲۰/۱)
- استاده گشتن: ایستادن (۲۱/۱)
- در کار داشتن: نیاز داشتن (۱۷/۲)
- هجوم کردن: هجوم آوردن (۱۸/۲)
- شهرت کردن: مشهور شدن (۳۵/۲)
- خواب نمودن: خوابیدن (۱۸/۱)
- پذیرا نمودن: پذیرفتن (۳۴/۲)
- وانمودن: وانمود کردن (۲۹/۲)
- امتداد کشیدن: ادامه یافتن (۳۴/۱)
- حساب گرفتن: حساب بردن (۳۶/۱)

نتیجه

کارنامه عشق، اثر داستانی آندرام مخلص، به نثری آهنگین و زیبا به نگارش درآمده که در بررسی ویژگیهای زبانی این اثر، با مواردی چون استفاده زیاد از کلمات و ترکیبات عربی، کاربرد کلمات ترکی و هندی و نیز اصطلاحات خوشنویسی، نقاشی و نسخه پردازی روبرو میشویم. همچنین در کارنامه عشق، اسم و صفت مرکب، بسیار پرکاربرد است و نشان میدهد که مخلص در زمینه ساخت اسم و صفت مرکب و نیز فعل مرکب صاحب ابتکار است. حضور پررنگ عناصر طبیعی در ترکیبهای مخلص نیز کاملاً به چشم می آید.

مخلص در این اثر برای آرایش سخن خود از آرایه های ادبی و شگردهای هنری بسیار بهره برده است؛ آرایه هایی چون: سجع، واج آرایی، تلمیح، اغراق، تضاد، ارسال مثل، ایهام، کنایه، تشبیه، استعاره، تشخیص و.... توصیفات زیبا و فراوان در جای جای داستان و بهره گیری از تشبیهات دلپذیر، از ویژگیهای برجسته این اثر است. همچنین استفاده آندرام از سروده های خود و دیگر شاعران، در لابلای نثر و متناسب با فضای داستان، قابل توجه و تأمل است.

صفحه اول و آخر کارنامه عشق، نسخه کتابخانه انجمن ترقی اردو، دهلی



صفحه اول و آخر کارنامه عشق، نسخه کتابخانه پنجاب، لاهور



منابع و مآخذ:

۱. ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما، شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۷۸، ترجمه حجت‌الله اصیل، نی، تهران.
۲. ادبیات فارسی در میان هندوان، سید عبدالله، ۱۳۷۱، محمد اسلم خان، بنیاد موقوفات محمود افشار، تهران.
۳. بهار عجم، چندبهار، لاله تیک، ۱۳۸۰، به کوشش کاظم دزفولیان، طلایه، تهران.
۴. بیان، شمیسا، سیروس، ۱۳۷۱، فردوس، تهران.

۵. تحول نثر فارسی در شبه قاره، هاشمی، محمود، ۱۳۷۵، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد.
۶. تذکره ریاض الشعراء، واله داغستانی، علی قلی، ۱۳۸۴، تصحیح سیدمحسن ناجی نصرآبادی، اساطیر، ج چهارم، تهران.
۷. تذکره شمع انجمن، نواب صدیق خان، ۱۳۸۶، تصحیح محمدکاظم کهدوی، دانشگاه یزد، یزد.
۸. تذکره مقالات الشعراء، حیرت اکبرآبادی، قیام الدین، ۱۹۶۸ م، به کوشش نثار احمد فاروقی، دهلی.
۹. تذکره نتایج الافکار، گوپاموی، محمد قدرت‌الله، ۱۳۸۷، تصحیح یوسف بیگ باباپور، مجمع ذخایر اسلامی، قم.
۱۰. تذکره نشتر عشق، عظیم آبادی، حسین قلی خان، ۱۹۸۱ م، تصحیح اصغر جانفدا، دانش، ج ۱، دوشنبه.
۱۱. «تعامل ادبیات فارسی با فرهنگ هندوان»، عامر، خان محمد، ۱۳۸۳، کیهان فرهنگی، شماره ۲۱۶.
۱۲. چمنستان، مخلص، آند رام، ۱۸۷۷ م، مطبع نامی منشی نولکشور، لکنهو.
۱۳. خزانه عامره، آزاد بلگرامی، غلامعلی، ۱۳۹۰، تصحیح ناصر نیکوبخت و شکیل اسلم بیگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
۱۴. دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، انوشه، حسن، ۱۳۸۰، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج چهارم، بخش سوم، تهران.
۱۵. دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، موسوی بجنوردی، محمدکاظم، ۱۳۷۴، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج دوم، تهران.
۱۶. سفینه خوشگو، بندرین داس خوشگو، ۱۹۵۹ م، تصحیح محمد عطاءالرحمن عطا کاکوی، لیبیل لیتهو پریس، ج سوم، پنته.
۱۷. سفینه هندی، بهگوان داس، ۱۹۵۸ م، تصحیح محمد عطاءالرحمن عطا کاکوی، اداره تحقیقات عربی و فارسی، پنته.
۱۸. کارنامه عشق، آند رام مخلص، ۱۲۳۶ ق، نسخه خطی شماره 21/ 89165527، کتابخانه انجمن ترقی اردو، دهلی.
۱۹. کارنامه عشق، آند رام مخلص، ۱۳۰۶ ق، نسخه خطی شماره Kpi IX,2A، کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب، لاهور.
۲۰. کارنامه عشق، آند رام مخلص، [بی تا]، نسخه خطی شماره ۲۷-۳۶، کتابخانه همدرد ناظم آباد، کراچی.
۲۱. مجمع النفائس، آرزو، سراج‌الدین علی خان، ۱۳۸۵، تصحیح میرهاشم محدث، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.

۲۲. مختصر اردو لغت، دایرکتور، ۲۰۰۹م، قومی کنسول برای فروغ اردو زبان، دهلی نو.
۲۳. مرآت‌الاصطلاح، آنند رام مخلص، ۲۰۱۳م، تصحیح چندر شیکهر و حمیدرضا قلیچ‌خانی و هومن یوسفدهی، انتشارات کمیسیون نسخه‌های خطی هند، دهلی نو.
۲۴. مقالات عارف، نوشاهی، عارف، ۱۳۸۶، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، دفتر دوم، تهران.
۲۵. نگاهی تازه به بدیع، شمیسا، سیروس، ۱۳۸۴، فردوس، تهران.
۲۶. نوراللغات، نیر، نورالحسن، ۱۹۵۹م، جنرل پبلشنگ هاوس، ۴ جلد، کراچی.